

درآمدی بر امنیت انرژی، امنیت ملی و حقوق شهروندی (مطالعه موردی ایران)

ابراهیم متقی*

استاد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

مهدی داودی

دکتری علوم سیاسی - سیاست‌گذاری عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۷/۲۷)

چکیده

شهروندی از مهم‌ترین مفاهیمی است که رابطه فرد و جامعه را در قالب حقوق، وظایف و مسئولیت‌ها بازنمایی و دستیابی هر فرد به منابع اجتماعی و اقتصادی را تعیین می‌کند. همچنین امروزه انرژی در زندگی بشر اهمیت بسیاری دارد و ارتباط مستقیمی با امنیت اقتصادی در چهارچوب توسعه پایدار؛ امنیت محیط زیستی و در نتیجه، امنیت ملی دارد. بر این مبنای پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به رابطه میان امنیت انرژی، امنیت ملی و حقوق شهروندی است و ابعاد مختلف امنیت انرژی را که بر حقوق شهروندی تأثیرگذار بوده‌اند، بر مبنای حقوق مطرح در منشور حقوق شهروندی و سایر اسناد قانونی مورد توجه قرار داده است. طبق این پژوهش، می‌توان به رابطه مستقیم میان امنیت انرژی و حقوق شهروندی اشاره کرد؛ یعنی با تأمین امنیت انرژی، بُعدی از حقوق شهروندی محقق شده و محقق نشدن آن به عدم تأمین امنیت انسانی و پیامدهایی بر امنیت ملی می‌انجامد. نتایج نشان می‌دهد ناامنی انرژی، از جمله تهدیدات امنیت ملی است که نگاه به آن از منظر حقوق شهروندی می‌تواند تعهدات دولت‌ها را در تضمین تحقق آن برجسته‌تر کند.

واژگان کلیدی

امنیت انرژی، امنیت حقوقی، امنیت ملی، توسعه پایدار، حقوق شهروندی، حکمرانی خوب، محیط زیست.

مقدمه

شهروندی از مهم‌ترین مفاهیم اجتماعی است که برای کمک به شناخت بهتر جامعه، روابط درونی آن و هدایت کنش‌ها و رفتارها خلق شده و پایگاهی است که به همه افرادی که عضو تمام‌عیار اجتماع هستند، داده شده است. در واقع، شهروندی یکی از مهم‌ترین مفاهیم و ایده‌های اجتماعی است که در باخوانی رابطه فرد و جامعه کارایی دارد و رابطه فرد و جامعه را در قالب حقوق و مسئولیت‌ها بازنمایی می‌کند. بر این مبنا، موضوع حقوق شهروندی، حقوق شهروند در مشارکت برای سازماندهی به اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند و در نتیجه، شهروند به کسی گفته می‌شود که به‌عنوان عضو فعالی از اجتماع در کنش و واکنش با دیگران است. از آنجاکه سلامت و امنیت یک جامعه در گرو سعادت و امنیت تک‌تک اعضای آن جامعه است، این امر خود، مستلزم شناسایی و رعایت حقوق و ارزش‌ها و نیازهای اساسی و انسانی در این زمینه است (داودی، ۱۳۹۵: ۶-۱۰).

از سوی دیگر، امروزه انرژی در زندگی بشر اهمیت فراوانی دارد. ادامه زندگی بدون انرژی بسیار دشوار است. تأمین بسیاری از نیازهای اولیه بشری از طریق دسترسی به خدمات انرژی محقق می‌شود و دسترسی نداشتن به خدمات مدرن انرژی، مانعی جدی برای تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی است (Ambihaipahar, 2014: 1). از این رو، تأمین امنیت انرژی ارتباط مستقیمی با امنیت اقتصادی در چهارچوب توسعه پایدار و امنیت محیط زیست جهانی دارد که تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری درباره آنها فراتر از پارادایم امنیت ملی است؛ به‌ویژه با توجه به این‌که افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای و آثار سوء آن بر زندگی مردم، دولت‌ها را ملزم به اقدامی مشترک برای کاهش آلاینده‌ها تولید و مصرف سوخت‌های فسیلی می‌کند (ساعی و پاشنگ، ۱۳۹۵: ۲۴۹-۲۵۰).

بر این اساس، اتخاذ رویکرد حقوق بشری به مسئله دسترسی به انرژی و نگاه به آن از این منظر می‌تواند افراد انسانی را محور روندهای توسعه قرار دهد و از سوی دیگر، تعهدات دولت‌ها در تضمین تحقق آن را برجسته‌تر کند (سوادکوهی‌فر، ۱۳۹۱: ۳۲)؛ بدین معنا که می‌بایستی سیاست‌هایی از سوی دولت‌ها اتخاذ شود که ضمن شناسایی حق استفاده فزاینده از منابع انرژی برای دولت‌ها در حال توسعه، حق افراد بشری بر توسعه در قالب افزایش میزان دسترسی به خدمات انرژی و حق بر زندگی در محیط زیست سالم محقق شود (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۴۲۱).

از این رو، از جمله تهدیدات و چالش‌هایی که امنیت ملی ایران با آن روبه‌روست، ناامنی انرژی است که در تولید، انتقال و مصرف آن برای کشور وجود دارد و این در شمار مهم‌ترین تهدیدات فراروی اقتصاد ایران است که امنیت ملی را به مخاطره خواهد انداخت؛ به‌گونه‌ای که

رابطه مستقیمی میان امنیت انرژی و امنیت ملی کشور وجود دارد. از سوی دیگر، بخش انرژی بیشترین سهم را در مسائل تغییر شرایط محیط زیست دارد و در نتیجه، سیاستهای حوزه انرژی و محیط زیست نیز ارتباط تنگاتنگی با هم دارند (Shim, 2006: 3).

بر این اساس، می‌توان به رابطه میان امنیت انرژی، امنیت حقوقی^۱ و حقوق شهروندی اشاره کرد؛ یعنی با تأمین امنیت انرژی، بُعدی از حقوق شهروندی محقق شده و متعاقب آن می‌توان از حقوق شهروندی سخن گفت و برعکس، تحقق نشدن آن به عدم تأمین امنیت حقوقی و امنیت انسانی می‌انجامد که پیامدهای احتمالی آن بر امنیت ملی را نشان می‌دهد. یعنی امنیت حقوقی با ترسیم چهارچوب حقوقی وضعیت شهروندان، نوعی امنیت روانی را برای آنان فراهم می‌آورد (ویژه، ۱۳۹۰: ۹۶) و امنیت انسانی نیز در واقع همان اطمینان خاطر و احساس ایمنی است که افراد انسانی نسبت به تأمین نیازهای اساسی خود دارند. بر این مبنا، پژوهش حاضر به بررسی رابطه میان امنیت انرژی، امنیت حقوقی، امنیت ملی و حقوق شهروندی پرداخته است و ابعاد مختلف مرتبط با حوزه امنیت انرژی را که بر حقوق شهروندی تأثیرگذار بوده‌اند، بر مبنای حقوق مصرح در منشور حقوق شهروندی و سایر اسناد قانونی در کشور مورد توجه قرار داده و ارتباط میان آنها را تبیین کرده است. بنابراین، با توجه به ورود مسئله حقوق شهروندی به دستور کار سیاست‌گذاران کشور، ضروری است با شناخت ابعاد مفهومی و ضرورت‌های علی آن در تحقق و نهادینه کردن آن حرکت کنیم و با ایجاد شناخت نسبت به بررسی ابعاد مختلف آن در جمهوری اسلامی ایران بپردازیم و ارتباط آن را با امنیت ملی کشور تبیین کنیم.

۱. نگاهی به حقوق شهروندی

از نظر مارشال (۱۹۹۲) که از پیش‌گامان معاصر نظریه شهروندی است، شهروندی پایگاهی است که به همه افرادی که عضو تمام‌عیار اجتماع هستند، داده شده است. این افراد همگی دارای جایگاه برابر و حقوق، وظایف و تکالیف مناسب با این پایگاه هستند. هیچ اصل فراشمولی نیز برای تعیین حقوق و وظایف شهروندی وجود ندارد و حقوق و وظایف شهروند نیز به موجب قانون، تثبیت و حمایت می‌شود. از این رو، روابط میان جامعه و شهروندان و نیز روابط میان خود شهروندان، روابطی متقابل و وابسته به یکدیگر است؛ این بدین معناست که حقوق و مسئولیت شهروندان به صورت تنگاتنگ با هم مرتبط هستند. حقوق بر مسئولیت‌ها دلالت دارند؛ زیرا حقوق در خلأ وجود ندارند. برای این که حقوق شهروندی مؤثر باشند، دیگران باید حقوق ما را بشناسند و آنها را محترم شمارند و ما نیز مسئولیم که متقابلاً به حقوق آنها احترام

بگذاریم. همچنین حقوق برای حفظ وجودشان به حفظ جامعه که مقوم آنها هستند، نیاز دارند. در نتیجه، وقتی حقوق افراد برای سلامت جامعه ما بنیادی هستند، ما مسئولیت داریم آنها را بشناسیم و اعمال کنیم (فالکس، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

مارشال (۱۹۹۲) حقوق شهروندی را در رویکردی تکاملی و تاریخی به سه بُعد تقسیم کرده است:

۱. حق آزادی و شهروندی مدنی: یکی از حقوق سه‌گانه شهروندی، «حق آزادی» است که به معنای برخورداری از حق آزادی بیان، اندیشه، آزادی انتخاب مذهب، آزادی مالکیت، آزادی قلم و مانند آن است. در نظریه مارشال، «شهروند مدنی» ناظر به برخورداری از حق آزادی با چنین مصادیقی است.

۲. حق رفاه و شهروند اجتماعی: دومین بُعد از حقوق شهروندی، «حق رفاه» است که به معنای برخورداری از تأمین اجتماعی، امنیت اجتماعی، بهداشت و آموزش همگانی است. در نظریه شهروندی مارشال، «شهروند اجتماعی» به مفهوم برخورداری اعضای جامعه از حق رفاه است. در اینجا، مارشال بر نقش دولت که تأمین‌کننده چنین حقوقی است، تأکید خاصی دارد.

۳. حق مشارکت و شهروند سیاسی: سومین حق شهروندی، «حق مشارکت» است که به معنای برخورداری از حق رأی، شرکت در انتخابات و مشارکت کردن در امور سیاسی جامعه است (مارشال، ۱۹۹۲، به نقل از: شریفی و اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۹۸).

بررسی‌های تاریخی در زمینه شهروندی نشان می‌دهد که در تعابیر مختلف از شهروندی اغلب بر جنبه‌های حقوقی تأکید شده است؛ با این‌همه، تجربه شهروندی، تنها به موقعیت حقوقی فرد وابسته نیست، بلکه به روابط بین افراد و گروه‌های اجتماعی نیز متکی است. روابطی که گاهی با فشارها و محدودیت‌هایی در ایفای نقش شهروندی همراه است و به نوبه خود بر تعلقات و وابستگی‌های افراد و گروه‌ها به نظام اجتماعی تأثیر می‌گذارد. به این ترتیب، شرایطی که یک نظام اجتماعی به لحاظ حقوقی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارد، زمینه‌ساز احساس مشترک میان اعضای آن جامعه است (محمدی و شیانی، ۱۳۹۲: ۱۰).

در حقیقت، شهروندی فی‌نفسه یکی از مهم‌ترین منابعی است که جامعه به فرد به‌عنوان شخص حقوقی اعطا می‌کند و این هویت، بخشی از جامعه مدنی است که بر محور مجموعه‌ای از ارزش‌ها شکل می‌گیرد که در معنای کلی، به فضیلت مدنی تعبیر می‌شود (Inoquchi & Blondel, 2007: 103). شهروندی از بُعد نظری، برای دستیابی به اهداف متعدد جامعه، مانند همبستگی اجتماعی، توسعه و مشارکت واقعی نیز به‌عنوان مفروضات مسلّم در نظر گرفته می‌شود؛ چنانکه به باور برخی صاحب‌نظران، کارکرد اصلی شهروندی، اداره جامعه مطابق با

اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند (فالکس، ۱۳۸۴: ۹۲).

۲. امنیت حقوقی، امنیت ملی، امنیت انسانی و حقوق شهروندی

بی‌گمان هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل جامعه و همچنین شکوفایی استعدادها مهم‌تر از عنصر امنیت و تأمین آرامش در جامعه نیست و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند بدون امنیت امکان‌پذیر نخواهد بود. امنیت در نگرش کلی، مفهومی عام و «عبارت از تأمین خاطری است که براساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند». ملاحظه می‌شود که براساس این تعریف، امنیت نهادی چندمعنایی است که گستره وسیعی از حقوق و فعالیت‌های انسان را زیر پوشش قرار می‌دهد.

«امنیت» ازجمله مفاهیمی است که به دلیل ماهیت متناقض‌نمای آن، ارائه تعریفی مانع و جامع از آن دشوار و باعث مجادلات گوناگونی شده و از نظرگاه‌های متفاوت معانی مختلف به خود گرفته و تعاریف گسترده‌ای از آن ارائه شده است؛ برای نمونه، بر مبنای دیدگاه مدرن هر نوع تأمین اجتماعی و هر نوع مصونیت انسان در برابر آسیب‌های اجتماعی و حتی آسیب‌های جسمی و بیماری‌ها، در شمار موضوع و امور امنیتی قرار می‌گیرد. در دیدگاه سنتی، امنیت مقوله‌ای محدود، مخدوش، طبقه‌ای، جسمی، ابزارمند و ناپایدار است. اما در دیدگاه نوین، امنیت مقوله‌ای وسیع، معین، غیرانحصاری، عقلانی، هدفمند و پایدار است و هویت، احساسات و عواطف فردی و گروهی، عقاید، تمایلات، موقعیت‌های شغلی و اقتصادی، باورهای فرهنگی و ساختارهای رسمی و حتی وسایل دستیابی به رفاه و آسایش زندگی اجتماعی را دربرمی‌گیرد (کاشانی، ۱۳۸۴: ۳۸).

درباره امنیت انسانی نیز تعاریف مختلفی ارائه شده است؛ ازجمله، امنیت انسانی عبارت است از دور بودن از همه تهدیدهایی که بقای انسان، زندگی روزمره و شخصیت او را به مخاطره می‌اندازد. تهدیدهایی همچون تخریب محیط زیست، نقض حقوق بشر، جرایم سازمان‌یافته، قاچاق مواد مخدر و تلاش پیوسته برای مبارزه با این تهدیدها، جزئی از فرایند امنیت انسانی است (کینگ، ۱۳۸۳: ۷۸۱). تعریف دیگری، امنیت انسانی را به معنای حفاظت مردم از خطرات جدی می‌داند که زندگی را تهدید می‌کنند؛ صرف‌نظر از این‌که این تهدیدها در فعالیت‌های بشری یا حوادث طبیعی ریشه داشته باشد؛ اعم از این‌که در داخل یا خارج دولت نهفته بوده و مستقیم و بدون واسطه یا ساختاری باشند (کرپا، ۱۳۸۷: ۶۰۷).

بنابراین، امنیت انسانی یکی از مهم‌ترین حقوق بنیادین است که شاید بتوان گفت مبنای سایر حقوق به‌شمار می‌رود. در واقع، دولت نه‌تنها نباید امنیت شهروندان را مخدوش کند

(تعهد منفی)، بلکه وظیفه دارد تا شرایط لازم را برای حفظ امنیت شهروندان فراهم سازد (تعهد مثبت). در تعهد اخیر، دولت بیشتر بر امنیت اجتماعی تأکید می‌کند و باید توجه داشت که این تلقی اجتماعی از امنیت، ممکن است خود به تهدیدی برای دیگر حقوق بنیادین تبدیل شود. گفتنی است که در جنبه دوم نیز امنیت برای حفظ حقوق شهروندان اعمال می‌شود اما وجه اجتماعی آن مدنظر قرار می‌گیرد و حفظ این حقوق نیز به صورت تکلیف بر عهده دولت است (تعهد مثبت). بنابراین، هر دو جنبه به‌نوعی مکمل یکدیگرند و دو تعهد دولت با یکدیگر هم‌پوشانی می‌یابند (ویژه، ۱۳۸۸: ۲-۶). این امر ارتباط نزدیکی با اصل امنیت حقوقی دارد.

اصل امنیت حقوقی نیز که از ملزومات حاکمیت قانون است، امروزه یکی از اصول اساسی حاکم بر نظام‌های حقوقی دنیاست (عطریان، ۱۳۹۶: ۲۸۳) که به‌عنوان یکی از مبانی تحول دولت حقوقی مطرح می‌شود (ویژه، ۱۳۹۰: ۹۸). مقتضای این اصل آن است که در یک نظام حقوقی، تصمیمات و اقدامات دولتی قابل پیش‌بینی و اتکا باشد؛ به‌گونه‌ای که مردم بتوانند با اطمینان خاطر و با اعتماد به آنها امور زندگی خود را برنامه‌ریزی کنند و بدین ترتیب تعاملی مبتنی بر اعتماد میان شهروندان و نهادهای عمومی برقرار شود (عطریان، ۱۳۹۶: ۲۸۳). از این رو، امنیت حقوقی را یکی از ارکان امنیت ملی می‌دانیم؛ بدین‌صورت که با هرگونه تغییری در امنیت حقوقی، امنیت ملی مستقیماً دستخوش تحول می‌گردد و تأثیر و تأثر متقابل امنیت حقوقی بر دیگر اجزای امنیت ملی (مانند امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی و فرهنگی) امری مشخص است (رهپیک، پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴).

مسئله دیگر، رابطه میان امنیت انسانی و امنیت ملی به‌مانند رابطه میان امنیت ملی و حقوقی است. در واقع، امنیت ملی از ترکیب دو واژه «امنیت» و «ملی»، مفهوم جدیدی است که به‌طور عمده بر تهدیدهای نظامی علیه دولت‌ها استوار است، اما بعد از جنگ جهانی دوم به مفهومی چندبعدی تبدیل شد و جنبه‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را دربرگرفت. با وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم، نقش روزافزون اقتصاد در هدایت ماشین جنگی دولت‌ها آشکار شد و توانایی اقتصادی دولت‌ها در جنگ به‌عنوان بخشی از ابعاد امنیت ملی کشورها مورد توجه قرار گرفت. به باور باری بوزان، امنیت ملی از لحاظ مفهومی، ضعیف و از نظر تعریف مبهم؛ اما از نظر سیاسی قدرتمند باقی مانده است (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۰). در این زمینه، ریچارد اولمان بر آن است که تهدید نسبت به امنیت ملی عبارت از یک عمل یا سلسله‌حوادثی است که در مدت‌زمانی کمابیش کوتاه، کیفیت زندگی ساکنان یک کشور را بسیار تهدید می‌کند یا دامنه اختیار یک حکومت یا کشور یا واحدهای خصوصی متعلق به یک کشور را در انتخاب سیاست مقتضی به‌طور جدی به مخاطره می‌اندازد (روشندل، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

درباره امنیت انسانی و ارتباط آن با امنیت ملی می‌توان گفت که امنیت انسانی، نه تنها به‌منزله نفعی امنیت ملی کشورها نیست، بلکه تحقق آن می‌تواند پشتوانه امنیت ملی دولت‌ها قرار گیرد. امنیت انسانی چندبُعدی است و از گرسنگی و قحطی تا خطرات زیست‌محیطی، جرایم، بیماری‌ها و بلایای طبیعی را دربرمی‌گیرد. امنیت انسانی جهان‌شمول است و برای مقابله با تهدیدهای جدید در دستور کار دولت‌ها قرار گرفته و بر پیشگیری، حفاظت، حمایت، توانمندسازی و جبران خسارت استوار است. و سرانجام این‌که انسان‌محور است و به زندگی، حیات و کرامت ذاتی انسان‌ها توجه دارد. بنابراین، با توجه به پیوستگی میان دو مفهوم امنیت انسانی و امنیت ملی از یک‌سو و نیز هم‌سویی و پیوست امنیت حقوقی و حقوق شهروندی با امنیت انسانی، وجود رابطه‌ای مستقیم میان این مفاهیم آشکار است و تحقق حقوق شهروندی با امنیت ملی ارتباط مستقیمی داراست.

۳. امنیت انرژی

امروزه تعاریف متعددی درباره امنیت انرژی وجود دارد؛ برخی معتقدند مفهوم امنیت انرژی ذاتاً به جهت سرشت چندمعنایی آن و نیز با توجه به این‌که چهارچوب زمانی با منبع انرژی می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد، مفهومی دشوار است (Chester, 2010: 887). یکی از نتایج این وضع آن است که این مفهوم را مبهم و غالباً آشفته می‌کند؛ البته باعث مطرح شدن موضوعات مختلف و گسترش دامنه مبحث امنیت انرژی می‌شود. این گوناگونی تعاریف ریشه در رویکردهای مختلفی دارد که به مقوله انرژی می‌پردازند؛ برای نمونه، در رویکرد اقتصادی به امنیت انرژی متغیر محوری سود، در رویکرد رفاه اجتماعی انصاف، در رویکرد سیاسی امنیت ملی و در رویکرد محیط زیستی، انرژی پاک است. بر این اساس، در پایه‌ای‌ترین شکل، امنیت انرژی به معنای در دسترس بودن مقدار کافی انرژی برای تداوم حرکت اقتصادی، و رفع نیازهای خانگی، حمل‌ونقل و نظامی به قیمت مناسب است (ساعی و پاشنگ، ۱۳۹۵: ۲۳۹). از این رو، می‌توان گفت که امنیت انرژی سه مفهوم اساسی زنجیره تحولات انرژی در جهان امروز را دربرمی‌گیرد: قیمت، تداوم^۱ و محیط زیست (Bohi & Michael, 1996: 64). بنابراین، کمیسیون اروپایی، امنیت انرژی را امنیت عرضه انرژی می‌داند که باید از کارکرد مناسب اقتصاد، دسترسی فیزیکی بی‌وقفه به منابع انرژی و قیمت‌های قابل پرداخت که آثار زیست‌محیطی را نیز در نظر گرفته است، اطمینان یابد (ساعی و پاشنگ، ۱۳۹۵: ۲۳۹).

امنیت انرژی به عرضه مداوم و مطمئن با قیمت‌های معقول در حامل‌های انرژی بازگشته و سعی می‌کند تهدیدات ژئوپلیتیکی، اقتصادی، فنی، زیست‌محیطی و روانی ناظر بر بازارهای

انرژی را کاهش دهد. از این رو، در بررسی امنیت انرژی بر چهار مفهوم که شامل فراهم بودن، در دسترس بودن، قابل خرید و قابل قبول بودن تأکید می‌شود (ساعی و پاشنگ، ۱۳۹۵: ۲۴۱). همچنین امنیت انرژی ارتباط بین امنیت ملی و در دسترس بودن منابع طبیعی برای مصرف انرژی است. از این رو، امروزه امنیت انرژی نه تنها در کانون سیاست‌های انرژی است، بلکه در کانون حوزه امنیت ملی نیز قرار دارد. بنابراین، عوامل تأثیرگذار بسیاری بر آن اثر گذاشته‌اند. بر این مبنا می‌توان گفت که انرژی، امنیت و قدرت، سه ضلعی‌ای را تشکیل می‌دهند که نفوذ بسیاری در عالم سیاست دارند (Wood, 2013: 19). هرچند مهم‌ترین موضوع در امنیت انرژی، یافتن الگویی است که بتوان با آن پایداری و تداوم را در توسعه درازمدت انرژی جست‌وجو کرد؛ این بدان معناست که تعامل انرژی با محیط زیست و محیط اجتماعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Kruyt, 2009: 2177).

۳. ۱. امنیت انرژی، توسعه پایدار و محیط زیست

امروزه مقوله انرژی ارتباط تنگاتنگی با توسعه دارد؛ زیرا انرژی امکان تحقق توسعه را فراهم می‌سازد و توسعه از طریق استفاده هرچه بیشتر از انرژی ممکن می‌گردد (عبدلی و یدقار، ۱۳۸۵: ۲۰). واقعیت این است که چون اکثر فناوری‌های انرژی، ظرفیت تخریب محیط زیست را دارند، توسعه فی‌نفسه زمینه تخریب محیط زیست را فراهم می‌سازد. از آنجاکه نیاز دولت‌های در حال توسعه به انرژی پیوسته افزایش می‌یابد، آلودگی‌های زیست محیطی در این کشورها نیز روزبه‌روز افزایش می‌یابد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۴۱۵).

با توجه به اینکه حق بر توسعه در کنار حق بر صلح و حق بر محیط زیست، یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر است و در چهارچوب حقوق بین‌الملل بشر بررسی می‌شود (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۴۱۲). و نیز یکی از پیش‌شرط‌های تحقق توسعه در بُعد اقتصادی، عامل دسترسی به منابع انرژی و استفاده از آنهاست. دولت‌های در حال توسعه با تکیه بر مفهوم توسعه اقتصادی به‌مثابه حقی دولتی که براساس آن هر کشوری می‌تواند مستقلاً سیاست‌های توسعه خود را برگزیند، به سوی استفاده فزاینده از منابع انرژی حرکت می‌کنند. این تمایل فزاینده دولت‌های در حال توسعه به تحقق توسعه اقتصادی، در عمل به بروز آثار زیست محیطی منفی می‌انجامد؛ زیرا توسعه‌ای که در کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد، عمدتاً از نوع توسعه پایدار نیست و پروژه‌های اقتصادی بدون لحاظ اصول و استانداردهای زیست محیطی انجام می‌شود. در چنین وضعیتی، دولت‌های در حال توسعه با چالش انتخاب میان حق توسعه یا حفاظت از محیط زیست روبه‌رو می‌شوند (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۴۲۲). از این رو، بحث محیط زیست و مسائل محیط زیستی ارتباط مستقیم با حیات و زندگی جمعی

انسان دارد. بی‌گمان محیط زیست با جستارهای توسعه و امنیت واحدهای سیاسی نسبت مستقیم داشته است؛ به گونه‌ای که هرگونه اختلال در کارکرد عناصر سازنده زیست‌بوم‌ها و زیست‌کره، زیست و مدنیت بشر را تهدید می‌کند (کاوایی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۶) و بر این مبنا طرح مفهوم امنیت زیست‌محیطی در قالب امنیت انسانی و ملی در میان کنشگران و بازیگران سیاسی، نشانه اهمیت جهانی محیط زیست در مناسبات قدرت، توسعه و امنیت واحدهای سیاسی است (کاوایی‌راد، ۱۳۹۰: ۹۱).

چالش میان انرژی و محیط زیست برای نخستین‌بار در گزارش کمیسیون برون‌تولد مطرح شد. این گزارش به صراحت بیان کرد که وابستگی دنیا به سوخت‌های فسیلی حاکی از ناپایداری حوزه انرژی است. مطابق گزارش کمیسیون برون‌تولد، بحران‌های زیست‌محیطی، بحران‌های توسعه‌ای و بحران‌های انرژی، مجموعه‌ای واحد قلمداد می‌شوند (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۲: ۱۴۷). از این رو، ضروری است بر مبنای رویکرد حقوق بشری به مسئله انرژی نگریسته شود؛ نتایج اتخاذ چنین رویکردی به مقوله انرژی، ایجاد تعهد سلبی برای دولت‌ها مبنی بر عدم دخالت و ممانعت از تحقق این حق و ایجاد تعهد ایجابی مبنی بر تدارک تسهیلات لازم برای ارتقای سطح دسترسی همگانی به انرژی است. به سخن دیگر، روندهای توسعه در زمینه انرژی از طرف دولت بایستی به گونه‌ای پیموده شود که نه تنها آثار منفی بر حقوق بشر نداشته باشد، بلکه بتواند آثار مثبتی در تحقق ایده‌های حقوق بشری برجای بگذارد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۴۲۰). از این رو، لازم است سیاست‌هایی بر مبنای توسعه پایدار تدوین و عملیاتی گردد؛ زیرا در توسعه پایدار، هر نسل باید منابع آب، هوا و خاک را خالص و بدون آلودگی، همانند زمانی که این منابع بر روی کره زمین بوده‌اند، حفظ کرده و آن را برای نسل بعدی باقی گذارد (فراهانی‌راد، ۱۳۸۹: ۴۲).

بر این اساس، معیار کلی برای تشخیص پایداری سیاست‌های انرژی این است که سیاست مزبور، تعادل مطلوبی میان سه بُعد توسعه پایدار اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی ایجاد کند (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۲: ۱۵۰)؛ زیرا شرط داشتن توسعه پایدار در تلاقی نیازمندی‌های سه بخش اقتصاد، اجتماع و محیط زیست شکل می‌گیرد (دولت‌شاهی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳۲). در واقع، توسعه پایدار بر پایه هوشیاری انسان نسبت به خودش و نسبت به منابع طبیعی کره زمین استوار است و خواهان سبک زندگی پایدار برای همه انسان‌هاست و مخالف مصرف بیش از اندازه، اتلاف منابع و بی‌توجهی به نسل‌های آینده و قطع رابطه با گذشته است (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵: ۵۰). همچنین توسعه پایدار براساس تعریف کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه موسوم به کمیسیون برانتلند و گزارش کمیسیون سازمان ملل در زمینه محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ به معنای توسعه‌ای است که نیازهای حال را بدون وجه‌المصلحه قرار دادن توانایی

نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهایشان تأمین می‌کند. به سخن دیگر، توسعه پایدار رویکرد جامعی است که با شیوه‌هایی به ارتقای توسعه می‌پردازد که به محیط زیست ضربه‌ای وارد نیاید یا منابع طبیعی را ضایع نگرداند؛ به گونه‌ای که در آینده در دسترس باشد. این گزارش می‌افزاید که شرایط مزبور نه تنها بر سیاست‌های زیست‌محیطی که بر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی نیز قابل انطباق است (WCED, 1987: 43). بنابراین، توسعه پایدار به معنای تضمین روند رو به افزایش ذخایر سرانه ثروت جهانی و متضمن اتخاذ سیاست‌های تضمین مصرف پایدار شامل سرمایه‌گذاری در بخش‌های آموزش، فناوری، سرمایه اجتماعی، کاهش خسارات زیست‌محیطی و تشویق به حفظ منابع و سرمایه‌های طبیعی و زیست‌محیطی است (Pearce, 2007: 614).

با توجه به تعاریف بالا، می‌توان ابعاد و شاخص‌های توسعه پایدار را چنین برشمرد:

الف) پایداری زیست‌محیطی با هدف تعادل اکولوژیک با توجه به ارکان زیر:

۱. انرژی: استفاده از منابع تجدیدناپذیر با سرعتی کمتر از رشد آنها، استفاده حداکثری از منابع تجدیدپذیر و ...؛ ۲. محیط زیست: زمین پاک، منابع آب سالم، کیفیت هوا، کیفیت بصری، سلامت جهانی و ...؛ ۳. اکولوژی: توجه به تنوع زیستی موجودات، محل زندگی برای موجودات، عدم اختلال در چرخه زندگی موجودات، جنگل‌ها و غیره.

ب) پایداری اجتماعی با هدف عدالت اجتماعی: تأمین نیازهای پایه انسانی و اجتماعی (مانند دسترسی به ابزار معیشت، بهره‌مندی مکفی از سرمایه‌های اصلی، مشمولیت فرهنگی در جهت افزایش سرمایه اجتماعی، برخورداری از سلامت، رفاه و آموزش، داشتن حق انتخاب، مشارکت در تعیین سرنوشت اجتماعی و ...).

ج) پایداری اقتصادی با هدف بقای اقتصادی در قالب مواردی همچون: برآیند تخصیص بهتر منابع، مدیریت کاراتر منابع، اقتصاد با حساسیت بوم‌شناختی، نظام مبتنی بر ارزش، نظام عادلانه، تأکید بر اقتصاد محلی، تنوع و پیچیدگی، بهره‌وری و غیره (عبداللهی، ۱۳۹۴: ۲۵۶-۲۵۷).

۴. امنیت انرژی، امنیت حقوقی و حقوق شهروندی در ایران

انرژی از جمله نهاده‌های حیاتی هر اقتصاد و عامل تعیین‌کننده در رشد و توسعه اقتصادی است. لازمه تداوم فعالیت‌ها در بخش‌های مختلف صنعتی، تولیدی، خدماتی و حتی در بخش خانگی، تأمین امنیت انرژی است. از آنجاکه تأمین امنیت انرژی یکی از چالش‌های پیش روی دولت‌هاست، از این رو مدیریت انرژی و بهینه‌سازی مصرف انرژی به یکی از وظایف اصلی دولت تبدیل شده است (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۶). همچنین دسترسی به خدمات انرژی، ارتباط مستقیمی با کاهش فقر عمومی دارد. با درک چنین اهمیتی، حقوق بین‌الملل انرژی در راستای

بهبود شرایط زندگی و رفاه افراد بشری، بر اشخاص فاقد دسترسی به خدمات انرژی متمرکز دارد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷: ۴۱۷).

از سوی دیگر، وجود رویه‌های ناپایدار در تولید و مصرف انرژی، مشکلات زیست‌محیطی بسیاری به دنبال داشته که در این میان، مهم‌ترین آن، تغییرات آب‌وهوایی، باران اسیدی، تخریب لایهٔ ازن، تشعشع هسته‌ای، آلودگی هوای شهری و آلودگی دریایی ناشی از حمل‌ونقل نفت و... بوده است؛ بر این مبنا جامعهٔ بین‌المللی با درک چنین وضعیتی، در نهایت به این نتیجه رسید که دستیابی به توسعهٔ پایدار بدون داشتن انرژی پایدار ممکن نیست و بدون ادغام حقوق انرژی و حقوق محیط زیست، جامعهٔ بشری نمی‌تواند اهداف توسعهٔ پایدار را که در کنفرانس سازمان ملل متحد ۱۹۹۲ دربارهٔ توسعهٔ زیست‌محیطی در ریودوژانیرو درج شده است، تأمین کند؛ زیرا فقر انرژی، تهدیدی در دستیابی به اهداف اعلامیهٔ هزاره است (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

با توجه به این امر مباحث امنیت انرژی و مباحث مرتبط با محیط زیست و توسعهٔ پایدار در ساختار نهادی و قانونی کشور مورد توجه بوده است که نمودهای آن را می‌توان در برنامه‌های توسعه دید. از سوی دیگر، این امر به‌عنوان یکی از حقوق اساسی شهروندان مورد تأکید قرار گرفته است که بازتاب آن را در سند منشور حقوق شهروندی - به‌عنوان مهم‌ترین سند در حوزهٔ حقوق شهروندی که تاکنون در ایران طرح شده است - اشاره کرد. بر این اساس، توجه به مسئلهٔ جلوگیری از سوزاندن گازهای همراه نفت در برنامهٔ اول توسعه، قانون صرفه-جویی در مصرف انرژی، تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید در بخش انرژی، کاهش شدت انرژی و توسعهٔ اقدامات و سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی، از رؤس مهم برنامهٔ دوم توسعهٔ کشور در حوزهٔ امنیت انرژی بوده است. در برنامهٔ توسعهٔ سوم نیز توجه به اصلاح نظام قیمت‌گذاری و پرداخت یارانه در جهت ساماندهی بازار انرژی و بهینه‌سازی مصرف نفت و گاز، توجه به معیارها و استانداردهای مصرف انرژی، توجه به افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و پاک در سبد انرژی و کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی، توسعهٔ حمل‌ونقل عمومی، بهبود عملکرد در تولید و تبدیل انرژی و بهبود کیفیت سوخت، از دیگر موارد مهم این برنامه بوده است.

توجه به تدوین سند ویژه و فرابخشی مدیریت انرژی در برنامهٔ چهارم، از مهم‌ترین رویکردهای این برنامه در این زمینه بوده است. همچنین مواد بسیار مهمی مانند هدفمندسازی یارانه‌ها، بهینه‌سازی مصرف انرژی در بخش‌های مختلف، گازسوز کردن خودروهای سواری، تدوین و اجرای استاندارد مصرف سوخت خودروها، کاستن از اثرات منفی زیست‌محیطی ناشی از دفع زائدات بخش انرژی و دستیابی به فناوری‌های نوین و کارای انرژی، از دیگر

موارد مورد توجه در برنامه چهارم توسعه بوده است. نکته جالب توجه این‌که، این موارد به شکل‌های گوناگون در برنامه پنجم و ششم توسعه نیز تکرار شده‌اند (اسناد برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی).

در سند منشور حقوق شهروندی نیز توجه به حق حیات و سلامت، به‌ویژه در مواد ۲، ۳ و ۶، حق کرامت و برابری انسانی، به‌ویژه در مواد ۷ و ۸، به‌طور کلی بر حق دسترسی به حقوق اساسی ای اشاره دارند که موارد مورد تأکید در این پژوهش را دربرمی‌گیرد. نکته مهم در این سند، توجه ویژه و اختصاصی به حق محیط زیست سالم و توسعه پایدار برای شهروندان است؛ به‌گونه‌ای که مواد ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴ و ۱۱۵ به تفصیل این امر را واکاوی می‌کند (منشور حقوق شهروندی، ۱۳۹۵).

با وجود چنین تأکیدی در این اسناد و نیز سایر اسناد بالادستی در کشور، آنچه در عمل دیده می‌شود، تفاوت بسیاری با این رویه دارد. توجه به این نکته ضروری است که هم‌اکنون بیش از ۷۵ درصد از تولید ناخالص ملی ایران از تولید و فروش نفت و گاز به دست می‌آید. بنابراین، انرژی در اقتصاد ایران نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (شستند و شنه به نقل از جاجرمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۰۸-۲۰۹).

از این رو، یکی از مشکلات و مسائل امنیت حقوقی در کشور، نبود نگاه کلان و راهبردی به بخش‌های مختلف امنیت و دریافت صحیح ارتباطات درونی و بیرونی آنهاست (ره‌پیک، پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴) عدم حاکمیت این اصل در روابط مردم و دولت ممکن است به بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی در جامعه بینجامد و رعایت نکردن آن در حوزه امنیت انرژی با امنیت اجتماع در

۱. ماده ۱۱۲: حفاظت از محیط زیست - که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند - وظیفه‌ای همگانی است. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن همراه باشد، ممنوع است. حفاظت، به‌سازی و زیباسازی محیط زیست و گسترش فرهنگ حمایت از محیط زیست، حق شهروندان است و دولت این حق را در برنامه‌ها، تصمیمات و اقدام‌های توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی مدنظر قرار می‌دهد و با آلودگی و تخریب محیط زیست مقابله می‌کند.

ماده ۱۱۳: هر شهروند حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم، پاک و غاری از انواع آلودگی، از جمله آلودگی هوا، آب و آلودگی‌های ناشی از امواج و تشعشعات مضر و آگاهی از میزان و تبعات آلاینده‌های محیط زیست را دارد. دستگاه‌های اجرایی برای کاهش آلاینده‌های زیست‌محیطی، به‌ویژه در شهرهای بزرگ تدابیر لازم را اتخاذ می‌کنند.

ماده ۱۱۴: هرگونه اقدام به‌منظور توسعه زیربنایی و صنعتی مانند احداث سدها و راه‌ها و صنایع استخراجی، پتروشیمی یا هسته‌ای و مانند آن باید پس از ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی انجام شود. اجرای طرح‌های توسعه‌ای منوط به رعایت دقیق ملاحظات زیست‌محیطی خواهد بود.

ماده ۱۱۵: دولت با ایفای نقش بین‌المللی مؤثر از طریق همکاری‌های اقتصادی، تبادل اطلاعات، انتقال دانش فنی و مبادله فرهنگی برای تحقق توسعه پایدار همه‌جانبه و متوازن و رفع موانع بین‌المللی اقدام خواهد نمود. حق شهروندان است که از مزایا و منافع فناوری‌های نو در کلیه زمینه‌ها از جمله بهداشتی، پزشکی، دارویی، غذایی، اقتصادی و تجاری بهره‌مند شوند.

پیوند است و اگر دولت در تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های خود این اصل را مبنای رفتاری خود قرار دهد، امنیت و اطمینان‌خاطر در این حوزه حاکم می‌گردد (عطریان، ۱۳۹۶: ۲۸۵). در واقع، اقتصاد ایران به‌عنوان کشوری تک‌محصولی که از دیگر ظرفیت‌های کشور استفاده نمی‌شود، آشکارا به تولید و فروش نفت و گاز وابستگی دارد و هرگونه کاهش و چالش در قیمت انرژی و نحوه تولید آن می‌تواند باعث بروز چالش و ناامنی در کشور شود. نوسانات قیمتی که در این سال‌ها در انرژی ایجاد شده است، نحوه تعامل با کشورهای همسایه در فروش نفت و گاز، اقدامات دولت‌های رقیب و غربی در ایجاد تنش با کشورهای طرف قرارداد با ایران، همگی می‌توانند در زمینه ناامنی انرژی برای ایران ایجاد چالش و دردسر کنند (جاجرمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۲).

با توجه به این که ایران از لحاظ مجموع ذخایر ثابت‌شده نفت و گاز پس از روسیه در مقام دوم در سطح جهانی است، واقعیت رفتار ایران در سطح جهانی بازتاب‌دهنده موقعیت ایران در برخورداری از این منابع نیست؛ درحالی که این موقعیت بی‌مانند در منابع انرژی به کشور این امکان را می‌دهد که با ارائه راهبردهای مناسب در چهارچوب امنیت انرژی، امنیت ملی کشور را به حداکثر رساند اما وجود متغیرهایی، نقیض این امر را نشان می‌دهد؛ برای نمونه، نرخ یارانه انرژی در ایران بسیار بالاست و قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی در ایران با روش درستی انجام نمی‌گیرد. هرچند دولت ایران از ۱۹۹۶م در طی اصلاحاتی، به افزایش تدریجی قیمت حامل‌های انرژی روی آورد که تلاشی در جهت بهبود شاخص قیمت مصرف‌کننده انرژی در کشور بود که به دلیل افزایش جزئی قیمت تأثیر چندانی در بهبود وضعیت نداشت (عباسی گودرزی و ملکی، ۱۳۹۶: ۱۷۲).

همچنین انتشار گازهای گلخانه‌ای از جمله تهدیداتی است که سوخت‌های فسیلی برای محیط زیست به وجود آورده است و استفاده بیش از حد از این سوخت‌ها، تهدیدات و چالش‌هایی را ایجاد می‌کند که با توجه به قرار گرفتن ایران در منطقه خلیج فارس و محدوده خاورمیانه، اثرات گازهای گلخانه‌ای در بلندمدت برای امنیت محیطی ایران خطرآفرین خواهد شد (جاجرمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۷). بدین جهت شدت دامنه آلودگی و تخریب محیط زیست در ایران به حدی است که دیگر نمی‌توان بر آن سرپوش نهاد؛ به طوری که مقوله توسعه با تخریب محیط زیست همزاد شده است؛ برای نمونه، ایران در شمار ده کشور اول جهان در آلودگی هواست (کاوایی‌راد، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۵) و نیز بنا بر گزارش شاخص عملکردی محیط زیست در سال ۲۰۰۶، رتبه ایران از میان ۱۳۳ کشور جهان با عدد شاخص ۷۰ در مقام ۵۳ قرار گرفته است. در دوره ارزیابی بعدی در سال ۲۰۰۸، رتبه عملکرد محیط زیست ایران با پانزده پله

نزول، به رتبه ۶۸ می‌رسد و در رده‌بندی سال ۲۰۱۰ نیز محیط زیست ایران با ده پله نزول دوباره و امتیاز اندک شصت، به رتبه ۶۸ تنزل یافته است (جاجرمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۲).

با توجه به چنین واقعیت‌هایی و نیز طبق اصل انتظار مشروع که یکی از لوازم اساسی امنیت حقوقی و از ارکان ماهوی آن است و طبق آن، انتظارات مشروع به خواسته‌ها و توقعات معقولی گفته می‌شود که در روابط متقابل افراد و کارگزاران عمومی ایجاد شده است؛ به نحوی که انصراف یا بی‌توجهی به آن موجب ایراد خسارت به شهروندان می‌شود و بدین جهت انتظارات یادشده مستلزم نوعی حمایت حقوقی خواهد بود (Craig، به نقل از: عطریان، ۱۳۹۶: ۲۸۴).

به‌منزله مهم‌ترین رکن اصل امنیت حقوقی اقتضا می‌کند که تغییرات در سیاست‌های دولتی به‌گونه‌ای اعمال شود که توقعات، انتظارات و برنامه‌ریزی‌های شهروندان کمترین لطمه را ببیند (عطریان، ۱۳۹۶: ۲۸۵).

نتیجه و راهکار

از گذشته تا کنون، عوامل متعددی در زندگی بشری نقش داشته که سه عنصر اصلی آن، انسان، انرژی و محیط زیست است. از سوی دیگر، همان‌گونه که بیان شد، در گذشته امنیت ملی عمدتاً از نظر تهدید نظامی خارج از مرزها مورد توجه قرار می‌گرفت که رویارویی با آن نیز سازوکار نظامی داشت. اما امروزه این مفهوم از حوزه تعاریف کلاسیک خود خارج شده و رابطه تنگاتنگی با توسعه یافته است. در واقع، با گذشت زمان و ایجاد تغییرات در توقعات و نیازهای انسان‌ها، متغیرهای جدیدی برای تعریف امنیت به میان آمده است. از این‌رو، امنیت انرژی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی امنیت مورد توجه است؛ امری که تأمین آن با امنیت ملی ارتباط مستقیم دارد و نبود آن موجب تهدید امنیت ملی می‌گردد. از سوی دیگر، انرژی ارتباط مستقیمی با توسعه پایدار دارد. در واقع، توسعه پایدار با ابعاد سه‌گانه خود، یعنی توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه زیست‌محیطی، حقوق انرژی را تحت تأثیر قرار داده است. و با توجه به این‌که تأمین امنیت و نیز حقوق محیط زیست و توسعه پایدار از مؤلفه‌های اصلی حقوق شهروندی است. از این‌رو، تأمین امنیت انرژی نیز ارتباط مستقیمی با تحقق حقوق شهروندی دارد.

هم‌اکنون اقتصاد ایران به انرژی وابستگی زیادی یافته است و امنیت ملی ایران با نفت و امنیت انرژی رابطه مستقیم دارد؛ به‌گونه‌ای که نفت و گاز بیشترین نقش را در تأمین درآمد ارزی کشور دارند. بنابراین، امنیت انرژی و امنیت ملی متأثر از مؤلفه‌های متعدد داخلی و خارجی است و از این‌رو، در بُعد سیاست‌گذاری نیز پیگیری مسیر توسعه پایدار نیازمند اعمال تغییرات شدید در الگوهای تولید و مصرف انرژی است. در واقع، حق برخورداری از انرژی،

زمانی در راستای سایر حقوق بشری، به‌ویژه حق توسعه پایدار خواهد بود که در راستای حق برخورداری از منابع انرژی تجدیدپذیر باشد. با توجه به این‌که انرژی‌های تجدیدپذیر، میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلاینده‌های زیست‌محیطی را به طور چشمگیری کاهش می‌دهند، نقش مهمی در تحقق توسعه پایدار خواهند داشت. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد به‌رغم توجه به مباحث امنیت انرژی و نیز توسعه پایدار در اسناد حوزه حقوق شهروندی، در عمل وضعیت به گونه‌ای دیگر نمود دارد و آمارهای داخلی و بین‌المللی از آسیب‌پذیری در این حوزه دلالت دارند و چنانچه به مباحث امنیت انرژی و توسعه پایدار توجه جدی نشود، امنیت ملی کشور دچار آسیب خواهد شد و در نتیجه، نمی‌توان از تحقق حقوق شهروندی سخن گفت. در واقع، اگر بر این باور باشیم که سیاست‌گذاری عمومی در ایران فرایندی شتابزده است که در آن مسائل به صورت بنیادین و ریشه‌ای مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و در حوزه حقوق شهروندی شاهد هستیم که همواره صحبت از تحقق حقوق شهروندی است؛ اما در عمل نگاه همه‌جانبه، فراگیر و یکپارچه‌ای نمی‌بینیم و از پیامدهای آن غفلت می‌کنیم که حوزه امنیت انرژی و توسعه پایدار، از نمونه‌های عینی آن است.

بنابراین، بی‌شک تأمین امنیت انرژی و نیز تحقق توسعه پایدار در گرو راهکارهایی مانند بهبود عملکرد دولت و نهادهای ذی‌ربط در حوزه تدوین سیاست‌های مؤثر در کاهش آلودگی، تدارک ابزارهای مناسب جهت کاهش مصرف انرژی، برقراری ثبات سیاسی، شفافیت قوانین و مقررات مرتبط با انرژی و محیط زیست می‌باشد. از این‌رو، دولت می‌بایست شاخص‌های حکمرانی خوب را تقویت کرده و با مشارکت و همکاری نهادهای مدنی، توان تأثیرگذاری حکمرانی خوب را در حوزه انرژی افزایش دهد.

در واقع، با مشاهده توان حکمرانی خوب در کاهش شدت مصرف انرژی و تأمین امنیت انرژی، می‌توان به اهمیت و ضرورت حکمرانی و وجود مشارکت همگانی نهادها در حوزه انرژی پی برد. باید توجه داشت که حکمرانی خوب براساس شش شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، اثربخشی، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد، تعریف می‌شود. از این‌رو، حکمرانی خوب مبنی بر تعامل سازنده بین دولت و نهادهای اجتماعی به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار بر بخش‌های کلان اقتصادی، از جمله بخش انرژی در طی سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، به خاطر چنین اهمیتی بوده است که در سال ۲۰۰۳، سازمان بین‌المللی انرژی، حکمرانی را به‌عنوان موضوعی حیاتی برای سیاست‌ها و برنامه‌های بهره‌وری انرژی معرفی کرد (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۹).

از زاویه‌ای دیگر، ارتباط عمیقی میان اصل امنیت حقوقی، به‌عنوان ضامن وضعیت حقوقی شهروندان، با دولت حقوقی و قانون‌مند که از مؤلفه‌های حکمرانی خوب است و یکی از مبانی

آن حفظ حق‌ها و آزادی‌های فردی آنهاست، برقرار می‌باشد (ویژه، ۱۳۹۰: ۱۰۰). بنابراین، این اصل به دلیل شفاف‌سازی رابطه بین شهروندان و قدرت سیاسی، حق‌ها و آزادی‌های شهروندی را نیز تضمین می‌کند (ویژه، ۱۳۹۰: ۱۰۱). و در حوزه‌های گوناگون زمینه برخورداری از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین را دربرمی‌گیرد. بدین جهت ضروری است چنین امری به‌عنوان یکی از رویکردهای اصلی سیاست‌گذاری در حوزه امنیت انرژی مورد توجه قرار گیرد.

منابع

الف) فارسی

۱. جاجرمی، کاظم؛ زهرا پیشگاهی‌فرد؛ حجت مهکویی (۱۳۹۲). «ارزیابی تهدیدات زیست محیطی در امنیت ملی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۷، صص ۱۹۳-۲۳۰، در magiran.com/p1178061 شهریور ۱۳۹۸.
۲. داودی، مهدی (۱۳۹۵). بررسی نقش و جایگاه شهروندی اجتماعی در تحقق حقوق شهروندی در ایران، رساله مقطع دکتری، دانشگاه تهران.
۳. دولت‌شاهی پیروز؛ محرم طهماسبی؛ هادی آشتیانی (۱۳۸۹). «انسان، انرژی، محیط زیست و چشم اندازی به آینده»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۶ سال ۱۹، صص ۳۱۳-۳۴۳ در www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=118267 شهریور ۱۳۹۸.
۴. ره‌پیک، حسن (۱۳۸۴). مصاحبه با پایگاه جامع تاریخ معاصر ایران به نشانی: <http://revolution.pchi.ir/show.php?page=contents&id=12862>.
۵. روشندل، جلیل (۱۳۸۴). امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت، چاپ ۳.
۶. زاهدی، شمس‌السادات؛ غلامعلی نجفی (۱۳۸۵). «بسط مفهومی توسعه پایدار»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰ شماره ۴، صص ۴۳-۷۶ در www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=68448 شهریور ۱۳۹۸.
۷. ساعی، احمد؛ مریم پاشنگ (۱۳۹۵). «ضرورت نگاه فراملی به امنیت انرژی»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۵، شماره ۸۰، صص ۲۳۳-۲۵۳، <https://dorl.net/dor/20.1001.1.10283102.1395.25.3.9.3>.
۸. سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۲). «مفهوم توسعه پایدار در گستره حقوق بین‌الملل انرژی»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۹، پاییز، صص ۱۴۵-۱۶۶، <https://dx.doi.org/10.22066/cilamag.2013.16001>.
۹. سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۹۷). «حق بر توسعه به مثابه حق بشری در گستره حقوق بین‌الملل انرژی»، فصلنامه مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۴۰۵-۴۲۶، <https://dx.doi.org/10.22059/jrels.2019.259813.210>.
۱۰. سواد کوهی‌فر، ضحی (۱۳۹۱). «دسترسی به انرژی و حقوق بشر»، مجله دادرسی، شماره ۹۶، صص ۲۷ در magiran.com/p1132064 شهریور ۱۳۹۸.
۱۱. شریفی، اصغر؛ فاطمه اسلامیه (۱۳۹۱). «بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی سمنان)»، مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال سوم، شماره ۱۶، صص ۱۰۹-۱۲۴، در magiran.com/p1187467 مهر ۱۳۹۸.
۱۲. شیانی، ملیحه (۱۳۸۲). «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان». مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، صص ۶۰-۸۰، در magiran.com/p240779 مهر ۱۳۹۸.
۱۳. شهبازی، کیومرث؛ صمد حکمتی‌فرد؛ هادی رضایی (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر اندازه دولت و حکمرانی خوب بر شدت مصرف انرژی: مطالعه موردی کشورهای عضو اوپک»، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال دوم، شماره ۴، صص ۲۳-۴۸ در ecoj.tabrizu.ac.ir/article_4751.html شهریور ۱۳۹۸.
۱۴. کاشانی، مجید (۱۳۸۴). «نقش نهادهای آموزشی در برقراری، نظارت و حفظ امنیت ملی»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی - معاونت اجتماعی ناجا، شماره ۱، جلد سوم، تهران، انتشارات آسایش.

۱۵. کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۹). «تحلیل فضایی مخاطرات محیطی و بحران‌های بوم‌شناسی در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۳، شماره ۲، صص ۳۳-۵۷ در http://quarterly.risstudies.org/article_882.html ۲۰ مهر ۱۳۹۸.
۱۶. کاویانی‌راد، مراد، (۱۳۹۰). «امنیت زیست محیطی از منظر ژئوپلیتیک»، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، شماره ۲۳، صص ۸۵-۱۰۶ در jgs.khu.ac.ir/article-1-635-fa.pdf ۲۰ مهر ۱۳۹۸.
۱۷. کر، پائولین (۱۳۸۷). «امنیت انسانی»، مترجم: سید جلال دهقانی فیروزآبادی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۳، ۱۳۸۷، صص ۶۰۱-۶۲۶.
۱۸. کینگ، گری (۱۳۸۳). «بازاندیشی در امنیت انسانی»، مترجم: مرتضی بحرانی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۱-۲۵ در http://quarterly.risstudies.org/article_1015.html ۲۵ مهر ۱۳۹۸.
۱۹. عبدلی محمد، علی؛ امیر محمد یدقار (۱۳۸۵). «انرژی، توسعه و محیط زیست»، *نشریه انرژی ایران*، سال دهم، شماره ۲۶، صص ۱۹-۲۸ در <http://necjournals.ir/article-1-84-fa.html> ۱ آبان ۱۳۹۸.
۲۰. عبداللهی، علی اصغر (۱۳۹۴). «اولویت‌بندی شاخص‌های موثر توسعه پایدار شهری در شهر کرمان»، *فصلنامه علمی پژوهشی و بین‌المللی جغرافیای ایران*، سال ۱۳، شماره ۴۷، صص ۲۵۳-۲۶۸ در magiran.com/p1540228 ۵ آبان ۱۳۹۸.
۲۱. عباسی گودرزی؛ علی، عباس ملکی، (۱۳۹۶). «سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در بهره‌برداری بهینه از منابع انرژی تجدیدپذیر»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، دوره ۷، شماره ۲۳، صص ۱۵۹-۱۷۴ در http://sspp.iranjournals.ir/article_26806.html ۱۱ آبان ۱۳۹۸.
۲۲. عطریان، فرامرز (۱۳۹۶). «اصل امنیت حقوقی و مداخله دولت در عرصه اقتصاد»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، شماره ۲، صص ۲۸۱-۳۰۱، <https://dx.doi.org/10.22059/jplsq.2017.63099>.
۲۳. فالکس، کیث (۱۳۸۴). *شهروندی*. ترجمه محمد تقی افروز، تهران: انتشارات کویر.
۲۴. فراهانی‌راد، سعید (۱۳۸۸). *تحلیلی بر مفهوم امنیت انسانی و شاخص‌های آن*، نمایه در www.aftabir.com.
۲۵. ماندل، رابرت (۱۳۷۹). *چهره متغیر امنیت ملی*، مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده راهبردی، چاپ ۱.
۲۶. محمدی، محمد علی؛ ملیحه شیبانی (۱۳۹۲). *هویت شهروندی در ایران*، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۲۷. ویژه، محمد رضا (۱۳۹۰). «امنیت حقوقی به مثابه شرط تحقق امنیت قضایی»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیستم، شماره ۵۸، صص ۹۵-۱۳۰، در magiran.com/p844566 ۱۵ مهر ۱۳۹۸.

ب) خارجی

28. Ambihapahar, Ashvini (2014) *Access to Energy: A Human Right?*, International Development Law
29. Bohi, Douglas R. & Michael A. Toman (1996); *The Economics of Energy Security*; Norwell, MA.; Kluwer Academic Publishers.
30. Chester, Lynne (2010) "Conceptualizing Energy Security and Making Explicit its Polysemic Nature", *Energy Policy*, Vol. 38, No.2 At: ssrn.com/abstract=2385459
31. Inoquchi, Takashi, Blondel, Jean. (2007). *Citizens and the State: Attitudes in Western Europe and East and Southeast Asia*,
32. Kruyt, Bert, D. P. van Vuuren, H. J. M. de Vries, and H. Groenenberg; (2009); "Indicators for energy security"; *Energy Policy*; 37, doi:10.1016/j.enpol.2009.02.006
33. Pearce, D. (2007) *Sustainable consumption* D.A. Clark (Ed.), The Elgar Companion to Development Studies, Edward Elgar, Cheltenham, UK,
34. Shim, J.H. (2006). *The Reform of Energy Subsidies for the Enhancement of Marine Sustainability*, Case Study of South Korea, University of Delaware.
35. WCED (1987) *Our Common Future*, World Commission on Environment and Development, Oxford University Press, Oxford/New York.
36. Wood, S (2013) *Energy Security and Liberal Democracy: Ideals, Imperatives and balancing act*, International Handbook of Energy Security, Cheltenham, Edward Elgar.